
پرسش ها و پاسخ ها
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش | **نویسنده:** هادی هنرجو | **تاریخ:** ۱۳۹۴/۹/۷

با توجه به قاعده‌ای که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در مورد ظهور امام مهدی علیه السلام مطرح کرده‌اند که ظهور ایشان نیازی به اجتماع همه‌ی مردم ندارد و نیازمند اجتماع شمار کافی از آن‌هاست، برای بنده چند سؤال به ترتیب زیر مطرح شده است:

۱ . آیا کمیت و کیفیت این شمار کافی برای جناب علامه معلوم شده یا علم آن نزد خداست؟

۲ . آیا در زمان خلفاء گذشته این شمار کافی وجود نداشته است؟

۳ . با توجه به اینکه خلفاء گذشته در مقاطعی از تاریخ، نیروی زیادی در اختیار داشتند، به طور مثال رسول الله در جنگ با رومیان ۳۰۰۰۰ نفر، امام علی در صفین حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر، امام حسن در جنگ با معاویه حدود ۱۲۰۰۰ نفر، امام حسین در کوفه حدود ۱۸۰۰۰ نفر، امام صادق در زمان قیام خراسانی حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر از خراسانی‌ها که طالب قیام ایشان بودند در اختیار داشتند، حتی در زمان غیبت امام مهدی بارها جامعه‌ی شیعه برای ظهور منسجم و مهیّا شد، به طور مثال در زمان صفویان انتظار و آمادگی برای ظهور به اندازه‌ای بالا بود که بزرگان علمای شیعه مثل مجلسی و دیگران، زمان را زمان ظهور و صفویان را زمینه‌سازان ظهور می‌دانستند؛ چون اکثر روایات با شرایط زمانشان مطابقت داشت، اما اتفاقی نیفتاد. با این مقدمه بفرمایید اشکال کار در کجا بود و کاستی‌ها چه بود که ائمه‌ی اهل بیت به اهداف خود نرسیدند؟

۴ . آیا اشکالات و کاستی‌های گذشتگان در ما نیست؟

۵ . نسل ما چه ویژگی خاصی دارد که در آن‌ها نبوده، در حالی که به نظر می‌رسد آن‌ها از نظر قوت جسمی و روحی از ما بهتر بوده‌اند؟ با توجّه به سخت شدن شرایط و پیچیده شدن اوضاع و ضعف‌های جسمی و روحی ما که در گذر زمان ایجاد شده، برای فراهم شدن شمار کافی از یارانی

که مثل و مانندی در ادوار گذشته نداشته‌اند، نیاز به الطاف خاص خداوند و همچنین توجّهات خاص امام مهدی ارواحناه فداه است.

از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
زنهار از این بیابان زین راه بی‌نهایت
در این شب سیاهم گم گشته راه مقصود
از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۹

پاسخ پرسش‌های شما به ترتیب زیر است:

۱ . کمّیّت و کیفیّت شماری از مسلمانان که برای ظهور مهدی علیه السّلام کفایت می‌کنند، تابع برخی متغیّرهاست، ولی از برخی عبارات جناب منصور حفظه الله تعالی برداشت می‌شود که اجتماع ده هزار تن از آنان به نزد ایشان، می‌تواند کافی باشد؛ چنانکه در پیامی برای جمعی از جوانان دوستدار مهدی که از او هدایت خواستند، فرمود:

«به آنان سلام مرا برسانید و بگویید: هنگامی که همگان به سوی راست و چپ می‌گرایند، شما بر طریقت وُسطی استوار بمانید و هنگامی که همگان به سوی زید و عمرو می‌شتابند، شما به سوی مهدی بگرایید. خداوند را بسیار یاد کنید و بهشت را سودای خود قرار دهید و نماز را در اوّل وقت بر پا دارید و زکات را به اهلش بپردازید و به پدر و مادر خود نیکی کنید که دیری با آنان نخواهید ماند و به معروف امر نمایید و از منکر باز دارید و کارهاتان را سبک سازید و هر چه گذاشتنی است را بگذارید و هر چه برداشتنی است را بردارید و برای کوچ کردن به سوی مهدی آماده شوید؛ چراکه من هرگاه همراهانی کافی بیابم، به سوی او کوچ خواهم کرد، اگرچه میان من و او هفت دریا باشد. کیست که ده هزار تن را برای من تضمین کند تا من ظهور مهدی را برای او ضامن شوم؟! زمین گندیده و زمان مانند دمل چرکینی است که سر باز کرده باشد، ولی عاقبت برای پرهیزکاران خواهد بود»[1].

البته به نظر می‌رسد مراد آن جناب از این «ده هزار تن»، کسانی هستند که با ایمان راسخ به راه و روش و آرمان این بزرگوار، در محضر ایشان تعلیم و تربیت یافته‌اند و آمادگی‌های لازم علمی، اخلاقی

۱ . گفتار ۴

و رزمی را برای نصرت مهدی کسب کرده‌اند، نه کسانی مانند جناب‌عالی که صرفاً با اندیشه‌های این بزرگوار موافق هستند و به ایشان احترام می‌گذارند؛ چنانکه در ضمن نامه‌ای خطاب به یاران خود نوشت:

«آیا به همین بسنده کرده‌اید که خود را یاران من بشمارید و در عمل به من اقتدا نکنید؟! چگونه می‌توانم بر شما قیام کنم در حالی که تا این حد لغزنده‌اید؟! کجا هستند یاران راستین من؟ کجا هستند کسانی که چون مسیح دنیا را پشت سر انداختند و از هر تعلّقی به آن آزاد گردیدند؟ کجا هستند کسانی که با مرگ همنشین بودند و خدا را در پیش روی خود می‌دیدند؟ از هول آتش چنان می‌گریستند که گویی مادرانِ فرزندمرده بودند! به اطراف آسمان چنان می‌نگریستند که می‌پنداشتی فرشتگان را در جای جای آن می‌بینند! خدا را می‌پرستیدند و از پرستش طاغوت می‌پرهیختند. از پیشوای خود فرمان می‌بردند و در یاری او از هم پیشی می‌گرفتند. تو گویی تخته‌های فولاد بودند یا کوه‌های سر به فلک کشیده! وقتی در صفوف خود به سوی دشمن می‌تاختند، تو گویی گردباد و توفان شن به راه می‌انداختند! رفتار خود را زیر نظر داشتند و وقت هر سخن را می‌شناختند. به مکارم اخلاق آراسته بودند و از رذائل بزرگ وارسته. در زمین گمنام و ناشناخته بودند و در آسمان معروف و پرآوازه. گرد و خاک بر آن‌ها نشسته بود و رنگ رخسارشان پریده بود. در میان شب‌ها چنان بودند که گویی کندوهای عسل‌اند! در نماز و استغفار و خواندن قرآن صبح می‌کردند و در علم و جهاد و خدمت به مردم شب. نه خسته می‌شدند و نه تردید می‌کردند. خدایشان بیامرزد. روزگار خود را گذراندند و رفتند. اکنون شما برای ما مانده‌اید. پس بکوشید که جانشینان نیکو باشید برای آن‌ها و به آن‌ها اقتدا کنید و بدانید که فرج را نخواهید دید مگر آن گاه که این گونه باشید»[1].

از این سخن آن جناب که فرمود: «فرج را نخواهید دید مگر آن گاه که این گونه باشید»، برداشت می‌شود که حصول این کیفیّت علاوه بر آن کمّیّت، ضروری است و اجتماع ده هزار تن بدون اجتماع همه یا بیشتر این صفات، کافی نیست. از این رو، آن جناب رسالت خود را افزون بر گرد آوردن این شمار از مردم، تعلیم و تربیت آنان برای مهدی قرار داده است؛ چنانکه در گفتاری خطاب به آنان فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَقْتُلُونِي كَمَا قَتَلْتُمُ الصَّالِحِينَ مِنْ قَبْلِي، فَلَا تَفْعَلُوا، فَإِنِّي وَاللَّهِ لَوْ بَقِيتُ فِيكُمْ لَأَشْحَذَنَّ رِجَالًا مِنْكُمْ شَحْذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ، أَجْلِي بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارَهُمْ، وَأَرْمِي بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَأَسْقِيهِمْ كَأْسَ الْحِكْمَةِ حَتَّى يَمْتَلِئُوا! أَلَا إِنِّي

۱. نامه‌ی ۶

أَخْتَارُ خِيَارَكُمْ لِلْمَهْدِيِّ كَمَا يَخْتَارُ النَّحْلُ لِيَعْسُوبِهَا خِيَارَ الْأَزَاهِيرِ»[1]؛ «ای مردم! هرآینه شما می‌خواهید من را بکشید همان طور که صالحان پیش از من را کشتید، پس این کار را نکنید؛ چراکه به خدا سوگند اگر من در میان شما بمانم هرآینه مردانی از شما را آبدیده می‌کنم همان طور که آهنگر تیغه را آبدیده می‌کند! با تنزیل (قرآن) دیدگانشان را جلا می‌دهم و تفسیر (آن) را در گوش‌هاشان می‌ریزم و به آنان از پیمانه‌ی حکمت می‌نوشانم تا پر شوند! آگاه باشید که من بهترین‌های شما را برای مهدی بر می‌گزینم همان طور که زنبور عسل بهترین گل‌ها را برای ملکه‌ی خود گزینش می‌کند!».

این معنای زمینه‌سازی برای ظهور مهدی و رسالت منصور هاشمی خراسانی است.

۲ . از اینجا دانسته می‌شود که در زمان هیچ یک از خلفاء گذشته، کمّیّت و کیفیّت مذکور با هم جمع نشده است؛ به این معنا که یا ده هزار تن برای حمایت از خلیفه‌ی خداوند در زمین گرد نیامده‌اند و یا گرد آمده‌اند، ولی واجد حداقلّ صفات لازم نبوده‌اند و از این جهت، مصداق ﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾[2] بوده‌اند.

۳ . همچنانکه با این مبنا، اشکال موجود در آمارهای جناب‌عالی از کسانی که پیرامون خلفاء رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بوده‌اند، آشکار می‌شود؛ چراکه فقدان حداقلّ صفات لازم در آنان معلوم، بلکه شهره‌ی آفاق است؛ با توجّه به اینکه شکوه‌های علیّ بن ابی طالب از سستی و کوتاهی یارانش به تواتر رسیده و بی‌وفایی یاران حسن بن علی از مشهورات تاریخ است و ماندن هفتاد و دو تن برای حسین بن علی پوشیده نیست و ابو مسلم خراسانی از داعیان بنی عبّاس بود و پیشنهادش به جعفر بن محمّد تنها جنبه‌ی آزمایش داشت تا اگر خواهان حکومت است کشته شود و مجال معارضه با بنی عبّاس را پیدا نکند و به همین دلیل، با انکار غلیظ آن حضرت مواجه شد و زمان صفویان نیز -بر خلاف پندار عجیب جناب‌عالی- مناسبتی برای ظهور مهدی نداشت، بلکه هر بلایی بود در زمان صفویان بود و اعوجاج شیعه در آن به اوج خود رسید. از این رو، روایات فراوانی از ائمّه‌ی اهل بیت رسیده است که در آن‌ها فرموده‌اند اگر شماری کافی از یاران شایسته در اختیار داشتند، قیام می‌کردند و روشن است که مهدی علیه السّلام از این قاعده مستثنا نیست و با این وصف، اگر شماری کافی از یاران شایسته در اختیار داشته باشد، قیام می‌کند، بلکه در این صورت، قیام بر او واجب است و ترک واجب معصیت شمرده می‌شود و آن مهدی که ما می‌شناسیم، معصیت‌کار نیست.

۴ و ۵ . اکنون نیز مانند گذشته، شماری کافی از یاران شایسته برای مهدی وجود ندارند و اگر وجود داشته باشند نیز در زمین پراکنده‌اند و با این وصف، قادر به زمینه‌سازی برای ظهور

---

۱ . گفتار ۳۲

۲ . الغاشية/ ۷

آن حضرت نیستند؛ چنانکه زمینه‌ساز ظهور آن حضرت، جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»[۱] به این نکته‌ی اسفبار اشاره کرده و فرموده است:

«اکنون قاطبه‌ی مسلمانان، طالب حاکمانی جز مهدی هستند و آنان را به جای او حفاظت، اعانت و اطاعت می‌کنند و عده‌ای کافی در میان آنان برای حفاظت، اعانت و اطاعت از مهدی نیست و اگر عده‌ای کافی در میان آنان برای این کار وجود داشته باشد، جدا از یکدیگر در اطراف زمین پراکنده‌اند و روشن است که هر یک از آن‌ها جدا از دیگران و به تنهایی، قادر به حفاظت از سلامتی و آزادی مهدی نیست و از این رو، اجتماع آنان برای این کار ضروری است، در حالی که کسی نیست تا آنان را برای این کار گرد آورد و همین سبب ظاهر نشدن مهدی اگرچه در حدّ دسترسی به او شده است. بر این پایه است که من روزگاری چند، در اطراف زمین سیر می‌کنم و در پی مردمانی شایسته می‌گردم تا عدّه‌ای کافی از آنان را گرد آورم و برای حفاظت، اعانت و اطاعت از مهدی آماده گردانم، تا چون خداوند از گردهم‌آیی و آمادگی آنان آگاهی یابد، دسترسی به مهدی را برای آنان میسّر گرداند و زمینه‌ی حاکمیّت او پس از آن را فراهم نماید، تا تمهیدی برای ظهور او باشد؛ با توجّه به اینکه اگر امروز این کار انجام شود، به طور قطع فردا او ظهور می‌کند، بلکه امشب دسترسی به او ممکن می‌شود؛ چراکه خداوند به قدر ساعتی ظلم نمی‌کند؛ چنانکه فرموده است: ﴿فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾[۲]؛ <پس چون زمانشان بیاید، ساعتی تأخیر نمی‌کنند و پیشی نمی‌گیرند>؛ ولی تاکنون هر چه بیشتر جستجو کرده‌ام، کمتر یافته‌ام، تا جایی که دیگر خسته و سرخورده شده‌ام؛ چراکه گویی زمین از مردمان شایسته خالی است!».

این شکوه‌ی منصور هاشمی خراسانی، بی‌شباهت به شکوه‌ی علیّ بن ابی طالب و شکوه‌ی حسن بن علی و شکوه‌ی حسین بن علی و شکوه‌ی سایر ائمّه‌ی اهل بیت نیست، بلکه بی‌گمان امتداد همان شکوه است و با این وصف، می‌توان گفت که تفاوتی در مردمان کنونی موجود نیست؛ جز آنکه مردمان کنونی بر خلاف مردمان گذشته، هنوز مهلت دارند و می‌توانند از سستی‌ها و کوتاهی‌های آنان عبرت بگیرند و تفاوت‌های لازم را در خود پدید آورند و همین برای امیدواری و تلاش ما کافی است؛ خصوصاً با توجّه به اینکه وظیفه‌ی ما در هر حال، زمینه‌سازی برای حکومت مهدی است، اگرچه به نتیجه‌ای نینجامد؛ زیرا چیزی که در توان ماست انجام وظیفه است نه حصول نتیجه، بل انصاف آن است که حصول چنین نتیجه‌ای جز با امدادهای غیبی خداوند

۱. ص۲۴۸ و ۲۴۹
۲. الأعراف/ ۳۴

امکان ندارد، تا حدّی که اگر نهضت جناب منصور به ثمر بنشیند و شماری کافی از یاران شایسته برای مهدی گرد آیند نیز امیدی به کامیابی آن حضرت نمی‌رود تا آن گاه که خداوند فرشتگان خود را برای یاری او فرود آورد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَلَائِكَةُ، وَلَا يَنْزِلُونَ حَتَّى يَجْتَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ بِخُرَاسَانَ وَالْمُنَافِقُونَ بِالشَّامِ»[1]؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: مهدی خروج نمی‌کند تا آن گاه که فرشتگان فرود آیند و آن‌ها فرود نمی‌آیند تا آن گاه که مؤمنان در خراسان و منافقان در شام گرد آیند».

از خداوند توفیق اجتماع زمینه‌سازان ظهور در خراسان و پیوستن فرشتگان به آنان برای یاری مهدی را مسئلت داریم و به وعده‌ها و بشارت‌های او دل می‌سپاریم.



۱. گفتار ۱۵۸، فقره‌ی ۴